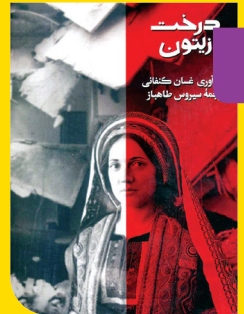


درخت زیتون



■ گردآوری: غسان
کنفانی
■ مترجم: سیروس
طاهباز
■ ناشر: روزبهان

«درخت زیتون» مجموعه‌ای از بهترین شعرهای شاعران بزرگ فلسطین است. شاعرانی همچون محمود درویش، سمیع القاسم و تنی چند از شاعران برجسته عرب مثل آدونیس. شعرهای این کتاب با انتخاب نویسنده، پژوهشگر، نقاش و مبارز بزرگ فلسطینی غسان کنفانی است که حکایت رنج، مقاومت، آزادی و عشق است. عشقی که با ظرافت و زیبایی تمام هم‌زمان به عشق به زن و زمین، مادر و سرزمین گره خورده است.

سمیع القاسم و شعر معاصر فلسطین



■ نویسنده و مترجم:
حسین ابویسانی
■ ناشر: سروش

این کتاب در دو بخش به نگارش درآمده است. بخش اول این اثر نگاهی به شعر معاصر فلسطین دارد و با تقسیم‌بندی شعر فلسطین به پنج بخش سنت‌گرایی، توافق جریان سنت‌گرایی و رمانتیسم، ظهور مکتب رمانتیسم، زبان شعر و خصایص ملی-مردمی و نهضت شعری جدید، ابعاد مختلف شعر فلسطینی را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. بخش دوم کتاب به جریان زندگی سمیع القاسم، شاعر بزرگ فلسطینی و نقش انکارناپذیر او در آفاق ادبی این کشور می‌پردازد.

شاعران معاصر و گمنام فلسطین



■ نویسندگان: حدیثه
متولی، مسعود
باوان‌پوری
■ ناشر: مینوفر

این کتاب هشتادونه شاعر معاصر فلسطینی را معرفی و سرگذشت آنان را روایت می‌کند. برخی از این شاعران عبارتند از: ابراهیم قراعین، احمد اغباریه، اسعد الاسعد، توفیق زیاد، جمال قعوار، جابر دباینه و شاعران دیگر. از نکات برجسته کتاب، بررسی دقیق زندگی هر شاعر با نمونه‌های شعری آن است که کتاب را برای خواننده متفاوت کرده است و هم‌زمان با خوانش شعرها، سیر تاریخی شعر مقاومت فلسطین را نیز می‌خواند.



فلسطین جغرافیا نیست؛ تاریخ است!

در رثای شعر مقاومت فلسطین
که هنوز از پس تاریخ تاریک قرن بیستم شنیده می‌شود

و پیش شما سر خم نمی‌کنم. / من
فرزند گاوآهنم / از تبار فروتن دهقان /
از هیچ کس نفرتی ندارم / و مال کسی
را نمی‌دزد / اما هنگامی که از گرسنگی
جانم به لب می‌آید / گوشت تن
غارنگرانم را می‌خورم / حذر کن / حذر
کن از گرسنگی‌ام / و خشمم.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر
درویش آنطور که دکتر شفیعی کدکنی
در «شعر معاصر عرب» می‌گوید،
مساله به مبارزه طلبیدن است که در
بیشتر کارهای درویش دیده می‌شود
و در سه بُعد قابل مشاهده است: بُعد
فردی و قهرمانی، بُعد قومی و بُعد
تاریخی‌انسانی:

هر عصیان‌کنی که در زمین باشد / ما را
تکان می‌دهد / و هر باغی که در جهان
هست / حبه‌ای از آن می‌چشیم / و
هر شعری در زمین / به رقص برخیزد /
دستش را در دست می‌گیریم...

درویش خود را نغمه نابی از ارکستر
همه‌آهنگی می‌داند که غبار دیروز را
از چهره زندگی می‌زدایند. از میان
همه شاعران عرب و فلسطینی یعنی
خلیل الحاوی، نزار قبانی، آدونیس،
محمد الفیتوری و صلاح عبدالصبور،
این محمود درویش است که از همه
عاشق‌تر است، اما نه عشقی به مار
زلف یار یا باغبان گیسوان معشوق؛
عشق درویش به «فلسطین» است،
چندان که عشق همه شاعران عرب به
این سرزمین مثال‌زدنی است. به بیان
دیگر، تغزل در سرزمین فلسطین،
معنایی جز حماسه‌سرایی و مقاومت
ندارد. مقاومت، عنصر اصلی شعر
عرب است و به قول دکتر رضا براهنی
«یار خوش چیزی است!» یار درویش،
نه نازکای شعر نازک‌الملاکه است، نه

فراموش / من کیستم، غم چيست...
این گونه ادبی معیار نخستین
ادبیات مقاومت در فلسطین بود،
چرا که هنوز ادبیات پایداری تکامل
نیافته بود. درواقع، باید گفت ادبیات
فلسطین بخشی از ادبیات عرب به
شمار می‌آمد که در نیمه اول قرن
بیستم رشد یافته بود. جنبش نخست
که در ادبیات به ویژه شعر عرب به
راه افتاد، ابتدا در کشورهای مصر،
سوریه و لبنان بود و شاعران فلسطینی
هم در آغاز وامدار شعر و ادبیات این
سرزمین‌ها بودند. جنبش‌های اولیه
شعر فلسطین در غربت شکل گرفت
و رفته رفته به عصری مهم و اثرگذار
در میان مردم بدل شد و در حقیقت
انعکاسی از شور و التهاب مردم شد:

سلام و بوسه بر تو، محبوبم! / واژه‌ها
نارسایند، / چگونه باید آغاز کرد / و
کجا باید به پایان رساند، / چرخ زمان
در گردش است. / من سردم است /
و تنه‌ایم / فقط گرده‌ای نان با من
است / و خرمی عشق / و دفتری برای
یادداشت / که بار قلب مرا به سینه
می‌کشد / و سیل کینه‌ام را در خود نگاه
می‌دارد...

محمود درویش به عنوان رساترین
شاعر فلسطینی در سراسر جهان، در
این شعر و در بسیاری از شعرهای خود
صدای فروخورده ملت زخم‌خورده
است. داغ و زخم مردمانی که علاوه بر
اینکه خان و مان خود را از دست داده
بودند و به آوارگی در افتاده بود، هویت
خود را نیز مورد تهدید می‌دیدند:
بنویس عربم / با رفیقان کارگرم سنگ
می‌تراشم / صخره‌ها را می‌فشارم / تا
گرده‌ای نان به دست آورم / و کتابی برای
هشت فرزندانم. / اما ترجم نمی‌خواهم /

صادق نوری منتقد و شاعر

فلسطین نخستین کشوری در
جهان نیست که مورد اشغال قرار گرفته
است، اما بی‌تردید نخستین سرزمینی
است که مظلومانه به دست حاکمان
و زورمداران، آنانی که خود را مدافع
حقوق انسان می‌دانند، هر روز مورد
تعرض و تعدی قرار می‌گیرد. اگر سال
۱۹۴۸ را مبنای تعرض صهیونیست‌ها
به سرزمین زیتون در نظر بگیریم،
با اطمینان می‌توان گفت این
طولانی‌ترین مقاومت در تاریخ بشری
است. به بیانی دیگر، می‌توان گفت
فلسطین جغرافیا نیست، فلسطین
تاریخ است. تاریخ رنج بشر.

از آن تاریخی که مصیبت غمبار
بر مردمان بی‌دفاع روا داشته شد،
همچنان آن فضای تیره و تاریک در
لحظه لحظه زندگی مردم فلسطین
وجود دارد. دفاع در برابر متجاوز تا
دندان مسلح با سنگ و چوب و...
به سلاح دیگری نیز نیاز داشت، و
آن سلاح شعر بود. نخستین هسته
ادبیات مقاومت، شعر عامیانه بود که
از دهه دوم قرن بیستم، نقش مهمی
در تاریخ این سرزمین ایفا کرده است.
عامیانه‌هایی که در سویه‌های عاشقانه
درآمیخته است. عاشقانه عامیانه زیر
شناخته‌ترین شعری است که از سال
۱۹۳۶ با اعدام یک مبارز فلسطینی در
زبان مردم جاری است:

آواز ناتمامم، ای شب مگیر از من! / چون
صبح آید از راه / من بال می‌گشایم /
با باد، بر سر دار. / آهسته رو، تو ای
شب! / بگذار در تو باشم، / شاید شدت